



## بحثی پیرامون حروف مقطعه

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

الْمَرْتَلِكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ  
وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ .

بنام خداوند رحمان ورحیم، اینست آیات کتاب و تمام آنچه که برتواز  
پروردگارت نازل گردیده است، حق و صحیح میباشد، ولی بیشتر مردم (آنرا)  
باور ندارند .

### خصوصیات سوره زعد

سوره مورد بحث، سیزدهمین سوره قرآن، و شماره آیات آن از ۴۳ تجاوز  
نمیکند، و در اینکه آیا آیات آن، در مکه و یا مدینه نازل گردیده، میان  
مفسران، مورد اختلاف و گفتگو است ولی دقت در مفاد و مضامین آیات آن،  
که خود یکی از طرق شناسائی مکی و مدنی بودن سوره است، مکی بودن  
آنرا تأیید میکند، زیرا در این سوره پیرامون موضوعاتی بحث و گفتگو شده  
است که محیط مکه چنین بحثها را ایجاب میکرد .

برای نمونه آیه پنجم و هفتم آنرا مورد دقت و بررسی قرار داده و  
می بینیم که در آیه پنجم از این سوره، گفتار منکران معاد را نقل میکند و میگوید،  
تعجب از گفتار کسانی است که میگویند «آیا ما پس از خاک شدن بار دیگر  
زنده میشویم» (۱) بطور مسلم این نوع اعتراضها و انتقادها در محیط شرك

۱- اذاکناتر اباا نالفی خلق جدید.

مکه بوده است، و اذا همین اعتراض در سوره‌های «یس» (۱) و «صافات» (۲) که هر دو از سوره‌های مکی هستند، نیز وارد شده است.

در آیه هفتم «معجزه خواهی» گروهی را نقل میکنند که با وجود بزرگترین معجزه الهی (قرآن) خواهان معجزات دیگری بودند، سپس در رد درخواست آنان میفرماید، پیامبر فقط بیم‌دهنده است، و برای هر گروهی راهنمایی است، (۳) یعنی سنن و نظام جهان آفرینش در اختیار پیامبر نیست که مطابق تمایلات و درخواستهای مردم، در جهان خلقت بعنوان اعجاز تصرف کند بلکه اومنذر و راعنما و بیم‌دهنده‌ای بیش نیست.

ناگفته پیدا است این درخواستها و لجاجتها مخصوص مشرکان قریش و همفکران آنها بوده است و یک چنین درخواستهای مختلف و احیاناً غیر معقول آنان در سوره اسراء، طی آیه‌های ۹۰-۹۴ نقل شده، و اتفاق مفسران به این آیات مکی است و محیط مدینه که مخصوص مسلمانان و اهل کتاب بوده است، برای طرح چنین مطالب، مناسب نبوده، و این سنخ لجاجتها در آنجا وجود نداشته است.

آری ذیل (۴) آیه سی و یکم که حاکی از نزول مصیبت‌های کوبنده به قریش و یا همجواری آنها است، شبیه آیات مدنی است ولی از آنجا که صدر این آیه مکی است بنظر میرسد که ذیل آن نیز مکی باشد، و مادر محل خود نظر خود را درباره ذیل این آیه خواهیم گفت و اثبات خواهیم نمود، که ذیل آیه نیز میتواند از آیاتی باشد که در مکه نازل گردیده است.

همچنین آخرین آیه (۵) این سوره که اهل کتاب را گواه بر رسالت خود میگیرد شبیه آیات مدنی است از این نظر هیچ مانع ندارد که خصوص این آیه در مدینه نازل شده باشد و یا آنرا طوری تفسیر کنیم که متناسب با محیط مکه گردد.

نتیجه از «فتاده» است که همه آیات سوره را مدنی دانسته جز ذیل آیه سی و یکم - که آنرا مکی میدانند (۶) در صورتی که اگر عکس میگفت بسیار مناسب و نزدیک به اعتبار بود.

### هدف و مزایای سوره

یکی از مزایای سوره بیان سنن آفرینش و اسرار پیچیده خلقت است در این سوره از

(۱): آیه ۷۸ (۲): آیه ۱۶

(۳): و یقول الذین کفروا لولا انزل علیه آیه من ربه انما انت منذر و لکل قوم هاد.

(۴): و لا یزل الذین کفروا تصیبههم بما صنعوا قارعة و تحل قریبا من دارهم حتی یاتی وعد الله

۵- قل کفی بالله شهیدا بینی و بینکم و من عنده علم الکتاب

(۶) تبیان شیخ طوسی ج ۶ ص ۲۱۱

روی سلسله قوانین طبیعی و نظام آفرینش و رموز جهان هستی، با بیانی متین و تمبیری استوار، پرده برداشته شده، که با آخرین تحولات و حقائق ثابت علمی، کاملاً موافقت دارد، و یک چنین شرح و بسط و عنایت کامل به بیان حقائق و سنن جهان آفرینش از خصائص این سوره است، از این نظر، این سوره در قرآن ماندی ندارد، و آیات مربوط به این قسمت را باید از «معجزات علمی» قرآن شمرد، که شرح و تفسیر آنها کاملاً در خور دقت و اهمیت است و از آیات و دلائل رسالت نبی اکرم بشمار می‌رود.

از این بیان، هدف سوره نیز روشن گردید، زیرا هدف سوره بگواهی مضامین آیات آن، تشریح دلائل توحید و طرح براهین یگانگی وی که اساس دعوت پیامبر را تشکیل می‌دهد، میباشد و در نتیجه اثبات رسالت پیامبر، و آسمانی بودن کتاب او است و از این رو در آغاز و پایان سوره صحت رسالت و حقانیت کتاب وی مورد عنایت قرار گرفته است.

در خلال سوره به مناسبت‌هایی درباره پاره‌ای از موضوعات، سخن به میان آمده، و برای مجسم ساختن منظره مبارزه حق و باطل و سرانجام این مبارزه دائمی، مثال بسیار جالبی زده شده که در محل خود به تفسیر آن خواهیم پرداخت و در اواخر سوره رشته سخن به موضوع «بداء» و کتاب محو و اثبات کشیده شده، که خود آن یکی از معارف ممتاز عقلی قرآن میباشد.

### حروف مقطعه

این سوره، بسان بیست و هشت سوره دیگر با حروفی آغاز شده که در اصطلاح، مفسران به آنها، «فواتح السور» و یا «حروف مقطعه» مینامند، و مجموع حروفی که در آغاز بیست و نه سوره وارد شده اند چهارده تا است و آنها عبارتند از الف، لام، میم، صاد، راء، کاف، هاء، یا، عین، طاء، سین، حاء، قاف، و نون و همه این حروف در این جمله جمع می‌باشند «صراط علی حق نمسکه» (راء علی حق است ما به آن چنگ میزنیم).

مفسران در تفسیر این حروف به بحث و گفتگو پرداخته و اقوال و آراء زیادی (۱) در تفسیر این حروف بیان نموده‌اند که نقل و انتقاد آنها از حوصله بحث، بیرونست. در میان این نظرات دو نظر قریب به واقع و حائز اهمیت است، و اراده هر کدام مانع از اراده دیگری نبوده و به اصطلاح «مانعة الجمع» نمیباشند.

۱- خطیب رازی در مفاتیح الغیب ج ۱ متجاوز از بیست نظر، و شیخ طوسی در تبیان ج ۱ ص ۴۷-۵۱ متجاوز از ده قول نقل نموده‌اند

**نظر اول** - این حروف اشاره به واسماء حسنی، و سوگند به آنها است، مثلاً «الف»

اشاره به «الله» و لام به لطیف و میم به چیدوراء به رحمان بوده و در عین حال سوگند به آنها است، بنابراین معنای آیه مورد بحث ما چنین میشود: بخدای لطیف و مجید و رحیم سوگند این آیات قرآن است و آنچه که از پروردگار تو نازل گردید صحیح میباشد، از میان مفسران این نظر را «ابن عباس» و «سدی» و «عکرمه» (۱) انتخاب نموده‌اند و مؤید این نظر آنست که در برخی از جنگها شمار نظامی مسلمانان «حم لاینصرون» بوده است، مقصود از این شعار این بوده که بخدا سوگند شما پیروز نمی‌شوید و در حدیث وارد شده که «اذا بیتم فقولوا حامیم لاینصرون»: هر موقع به شما شبیخون زدند بگوئید حامیم پیروز نمیشوند، ابن اثیر حدیث مزبور را چنین معنی کرده است: اللهم لاینصرون (۲).

**نظر دوم** - این حروف بمنوان نمونه‌هایی از حروف تهجی در آغاز برخی از سوره‌ها آمده‌اند و هدف از آوردن آن‌افهام این مطالب است که قرآن مجید از این حروف ترکیب یافته، و این سوره‌ها و آیات که همه بشر در مقابله با آن عاجز و ناتوان مانده‌اند، از این مواد و عناصر تشکیل یافته و در حقیقت «خیمبرهایه» قرآن، همین حروف و مانند آنها است، اگر فکر میکنید که قرآن ساخته و پرداخته فکر «محمد» (ص) بوده، و او با فکر بشری خود، از این حروف، قرآن را ساخته است، شما نیز برخیزید، از همین مواد که در اختیار همگی است، بکم یکدیگر سوره‌ای مانند سوره‌های آن بسازید، و حجت و دلیل او را ابطال نمائید و اگر با داشتن چنین امکانات، در مقام مبارزه با شکست روبرو شدید، باید اذعان کنید که قرآن ساخته فکر بشری نیست، بلکه وحی الهی است که بر او نازل گردیده است.

مؤید این نظر اینست که در این سوره‌های بیست و نه گانه که با این حروف آغاز شده‌اند غالباً پس از ذکر این حروف سخن از قرآن و کتاب به میان آمده است، مثلاً در سوره بقره میفرماید: «الم ذلك الكتاب لا ريب فيه»: «اینست کتابی که در آن شك و تردیدی نیست.» و در سوره آل عمران میفرماید: «الم الله لا اله الا هو الحي القيوم نزل عليك الكتاب» خداوندی که جز او خدائی نیست، او است زنده و بی‌نیاز، کتاب را بر تو نازل کرده است، و همچنین بسیاری از سوره‌های دیگر که این حروف در آغاز آنها وارد شده است.

اینکه قرآن نیمی از حروف تهجی را در آغاز بیست و نه سوره آورده و از انواع حروف، نیمی از آن را آورده، و نیم دیگر را ترك گفته است؛ خالی از نکته و اشاره به این وجه نیست.

مثلا از حروف مهموسه (۱) نیمی از آنرا که عبارتند از صاد، کاف، هاء، سین، وحاء، آورده و نیم دیگر را ترك گفته است همچنین از نوع حروف مجهوره نیمی از آنرا که عبارتند از: الف لام، میم، راء، عین، طاء، قاف، باء، یاء و نون آورده و نیم دیگر را ترك کرده است.

همچنین از انواع دیگر حروف مانند: «شدیده» و «رخرة» و «مطبقة» و «منفتحة» و «مستعلية» و «منخفضه» (۲) نیمی آورده و نیم دیگر را ترك گفته است (۳). بطور مسلم يك چنین تبعیض خالی از نکته نبوده و خالی از اشاره به این وجه نیز نیست.

شاید علت اینکه از حروف تهجی و انواع حروف نیمی را آورده و نیم دیگر را ترك گفته است این باشد که نیمی از اعجاز قرآن، مربوط به زیبایی لفظ، و نیم دیگر آن مربوط به عظمت معانی قرآن است، و از اینکه قرآن در مجموع این سوره‌ها نیمی از «القباء» را آورده، خواسته است برساند که اگر میاندیشید که زیبایی ظاهرو اعجاز لفظی آن، مولود قریحه پیامبر است، شما نیز برخیزید، از همین مواد و عناصر، يك چنین کلام زیبا و اعجاز-آسا بیارید (۴).

مرحوم شیخ صدوق به سند خاصی از حضرت عسکری نظر دوم را نقل کرده، و تأیید نموده است (۵)

به طور مسلم در صدر اسلام مقصد از این حروف برای صحابه پیامبر روشن بوده، ولی مرور زمان باعث ابهام و پیچیدگی مطلب شده است، و ما اعتراف داریم که در این مقاله حق مطلب را درباره این حروف اداء نموده ایم. امید است در فرصت دیگری درباره آنها بحث نمایم

- (۱): حروفی که اعتماد هر یکی به خرج خود ضعیف است و هنگام تلفظ، صدا بنرمی و آهستگی بیرون می آید و نفس در جریان بوده قطع نمیگردد، «مهموسه» مینامند مانند ك، ف، ح، ث، خ، ت، ش، س، ص، و غیر آنها را مجهوره که نقطه مقابل مهموسه هستند، مینامند
- (۲): درباره توضیح صفات حروف به کتابهای تجوید مخصوصا به کتاب نثر اللثالی صفحات ۳۳-۳۹ تالیف فقیه علم و ادب مرحوم مدرس تبریزی مراجعه بفرمائید.

۳- تفسیر کشف ج ۱ ص ۷۸-۷۹ (۴): المعجزة الخالده تالیف شهرستانی ص ۱۲۲

(۵): تفسیر برهان ج ۱ ص ۳۴.